



روایت مشاغلی که شما را انتخاب کردند/ چقدر از شغلتان رضایت دارید؟

قطع ارتباط بین شغل و رشته‌های تحصیلی باعث بروز نوعی آشفتگی و افت شدید رضایت شغلی در بازار کار ایران شده تا جایی که امروز کمتر کسی را می‌توان یافت که شغلی متناسب با تحصیلات خود داشته باشد.

قطع ارتباط بین شغل و رشته‌های تحصیلی باعث بروز نوعی آشفتگی و افت شدید رضایت شغلی در بازار کار ایران شده تا جایی که امروز کمتر کسی را می‌توان یافت که شغلی متناسب با تحصیلات خود داشته باشد.

به گزارش خبرنگار مهر، حتما شنیده اید که بسیاری از افراد و آشنایان می‌گویند به شغل خود علاقه ندارند و آنها باید فلان کاره می‌شدند. برخی حق خود را مشاغل دیگری می‌دانند و بعضی نیز می‌گویند برای دستیابی به شغل و حرفه مورد علاقه خود آموزش درست و کافی تحصیلی ندیده و در دوران مدرسه کسی در خانواده و مدارس نبوده تا آنها را به درستی در آن مسیر راهنمایی کند.

همچنین این مسئله مطرح می‌شود که اصلا در زمان تحصیل کسی نبوده که از آنها بپرسد آیا به آینده شغلی خود فکر کرده‌اند و آیا به شغلی علاقه دارند و یا خیر؟ شاید پرسیدن این سوالات می‌توانست جرعه‌ای در ذهن هر یک روشن کند تا از زمان مناسب به فکر قرار گرفتن در مسیر دستیابی به شغل مورد علاقه خود در آینده باشند.

هرچند ممکن است در سال‌های اخیر از طریق ایجاد مراکز مشاوره و افزایش سطح آگاهی خانواده‌ها نسبت به اینگونه مسائل، تلاش‌های جدی‌تری برای شناسایی توانایی‌ها و علایق فرزندان صورت می‌گیرد ولی دستکم در یک دوره ۲۰ تا ۳۰ ساله در نظام آموزش و پرورش کشور چنین رویکردی وجود نداشته و اگر هم بوده بسیار ضعیف عمل کرده است.

حال امروز ممکن است هزاران نفر در بخش‌های مختلف اقتصادی کشور مشغول به کار باشند ولی شغلشان را دوست نداشته و تنها برای امرار معاش و یا به دست آوردن شغل مورد علاقه در آینده به کاری وارد می‌شوند که دقیقا نتیجه ضعف سیستمی است که روزی در گذشته به این وظیفه مهم خود عمل نکرده است. در عین حال، برخی تا رسیدن به شغل مورد نظر و علاقه خود حاضرند بیکار بمانند و دست به کار دیگری هم نزنند.

برخی حاضرند بیکار بمانند ولی ...

کارشناسان بازار کار می‌گویند اینکه افراد به هر شغلی وارد شوند و یا تا رسیدن به شغل مورد علاقه صبر کنند به نگرش افراد نسبت به کار و میزان نیازهای مالی آنها بستگی دارد. معمولا افرادی که بتوانند از روش‌های دیگر و یا دریافت حمایت مالی والدین تامین باشند ترجیح می‌دهند به دنبال کار مورد علاقه خود بروند و افرادی که نیازهای فوری مالی داشته و بدون کسب درآمد امکان تامین مخارج خود را ندارند، مجبور می‌شوند در مشاغل متفرقه هم وارد شوند.

با این وجود، اینکه افراد بخواهند به دنبال شغل مورد علاقه خود باشند و در آن مسیر گام بردارند مربوط به زمانی می‌شود که زمینه‌های دنبال کردن علایق نیز در بازار کار فراهم باشد اما در شرایطی که صدها هزار جوان تحصیل کرده در رشته‌های مختلف بیکار مانده و جذب شغلی بسیاری رشته‌ها نیز اشباع شده و استخدام جدیدی صورت نمی‌گیرد، دیگر مباحث مربوط به دنبال کردن علایق و توانمندی‌ها رنگ می‌بازد.

حالا بازار کار ایران در شرایطی قرار دارد که افراد برای فرار از بیکاری و ترس از پیدا نکردن شغل و بالا رفتن سن، به رشته‌های مختلفی که به آنها پیشنهاد شود و یا فرصت حضور در کاری را پیدا کنند وارد می‌شوند. دقیقا به این دلیل است که امروز می‌بینیم در اقتصاد ایران معمولا تحصیلات افراد با رشته‌های شغلی‌شان متناسب نبوده و گاه کاملا بی‌ارتباط است.

البته اینکه افراد ناچارند برای بیکار نماندن شغلی را برگزینند بدون هزینه نیز نخواهد بود چون وقتی فردی علاقه‌اش به عنوان نمونه کار در بخش فنی و مهندسی بوده و حالا مجبور است به شغل اداری و پشت میزنشینی برای امرار معاش بپردازد، نه زمینه‌ای برای بروز خلاقیت و نوآوری وجود دارد و نه اینکه فرد لذتی از شغل خود می‌برد. مسئله وقتی جدی‌تر می‌شود که فرد مورد نظر در رشته فنی و مهندسی هم تحصیل کرده باشد ولی مجبور باشد به عنوان کارمند در اداره‌ای دولتی و یا خصوصی مشغول به کار شود.

مسئله نامتناسب بودن علایق، توانمندی ها، تحصیلات و تصورات افراد درباره شغل با کاری که در آن مشغول به فعالیت هستند یکی از زمینه های پایین بودن بهره وری نیروی کار در ایران است. اینکه به هر دلیلی اجازه داده شده تا معنای ارتباط بین نوع تحصیلات دانشگاهی افراد جامعه با شغلشان از بین برود نتیجه اش آن است که می بینیم احتمالا در یک محیط کاری افرادی با تحصیلات کامپیوتر، حسابداری، مدیریت، مهندسی و معارف در یک نوع شغل فعالیت می کنند!

در ایران تحقیقات رسمی که بتوان آن را مبنای آماری میزان رضایت شغلی حدود ۲۲ میلیون شاغل دانست وجود ندارد ولی برخی کارهای تحقیقاتی نشان می دهد که تنها ۳۵ درصد از کل بازار کار ایران فکر می کنند شغل خوبی دارند و از انجام آن لذت می برند و مابقی ۶۵ درصد چنین تصویری نداشته و انجام آن کار را از سر اجبار و کسب روزی می دانند.

با این وجود، کارشناسان معتقدند ۳۵ درصد رضایت شغلی خیلی هم بد نیست هرچند که باید نسبت رضایت شغلی و نارضایتی برعکس باشد و دستکم ۶۵ درصد افراد از شغل خود رضایت داشته و از انجام آن لذت ببرند. بنابراین یک کار می تواند این باشد که افراد از دوران کودکی و تحصیلات ابتدایی و حتی قبل از آن به سمت توانمندی ها و علایق خود سوق داده شده و در آن مسیر تربیت شوند.

رواج اشتغال ناچاری

متأسفانه در ایران فعلا چنین زمینه ای در آموزش و پرورش مهیا نبوده و اغلب جوانان وقتی به زمان ورود به دانشگاه می رسند تازه به دنبال انتخاب رشته تحصیلی هستند؛ هرچند ممکن است بخشی از افراد نیز از قبل گرایش هایی را به برخی رشته ها پیدا کرده و تلاش کنند تا علایق خود را در آن مسیر دنبال کنند.

غلامرضا عباسی در گفتگو با مهر با بیان اینکه امروز شرایط به گونه ای است که بسیاری از شغل خود راضی نیستند گفت: در عین حال، بسیاری به این فکر می کنند که اگر کار فعلی خود را از دست بدهند به جمعیت ۴ تا ۵ میلیون بیکار خواهند پیوست.

دبیرکل کانون عالی انجمن های صنفی کارگران ایران اظهارداشت: این مسائل باعث می شود نه تنها افراد بسیار زیادی از شغل خود راضی نباشند بلکه استرس از دست دادن کار هم به آن اضافه شود. این می شود که برخی مجبورند حتی با دادن تسویه های سفید و اسناد صوری، تلاش کنند تا به هر ترتیبی که شده کار خود را حفظ نمایند ولی این به معنای رضایت از شغل نیست.

عباسی خاطرنشان کرد: اینگونه کار کردن افراد را باید اشتغال مجبوری دانست چون افراد مجبورند شغل خود را حفظ کرده تا بیکار نمانند. متأسفانه در بسیاری از بخش ها مشاغل از پایداری برخوردار نیست و اینها تاثیر مستقیمی در افت بهره وری نیروی کار در ایران دارد.